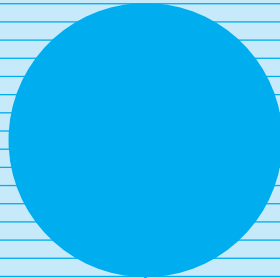




# صلاحیت و شایستگی

تلخیص و بازنویسی: محسن جعفر آبادی



## اشاره

در کشورهایی که در حال پیاده کردن یک برنامه درسی جدید هستند، از اصطلاحاتی مانند صلاحیت یا مشابه آن، مانند «قابلیت» یا «یادگیری اساسی» استفاده می‌کنند. متن حاضر که با عنوان «تعریف صلاحیت‌ها» نگارش یافته، فصل دوم کتابی است با نام «از نظر تا عمل» از انتشارات وزارت آموزش و پرورش کانادا که توسط محمدجعفر جوادی ترجمه شده است.

## تعریف صلاحیت

اصطلاح قابلیت یا «صلاحیت»<sup>۱</sup> به شکلی که گهگاه در ادبیات حوزه برنامه درسی به کار می‌رود، بحث‌های گسترده‌ای را در سراسر جهان موجب شده است. در بسیاری از تعاریف، کلماتی مانند «مهارت»، «توانایی»، «ظرفیت» و غیره به عنوان معنی این اصطلاح به کار رفته‌اند. با این وصف، در ادبیات مرتبط با این مفهوم، «صلاحیت» به دو

شکل مشخص به کار رفته است: نخستین معنی این اصطلاح به «برونداد» یا «نتایج آموزش» دلالت دارد که به معنی صلاحیت عملکردی است. معنی دوم، «برونداد» یا آن دسته از «ویژگی‌های زیرساختی» است که مورد نیاز است تا فرد بتواند به صلاحیت عملکردی دست پیدا کند [Hoffman, 1999]<sup>2</sup>. در کی که از تعریف دوم به دست می‌آید، در کارهای اخیر مرتبط با صلاحیت‌ها بیشتر دیده می‌شود. «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه»، صلاحیت را به عنوان «توانایی پاسخ‌گویی به مطالبات یا انجام موفقیت‌آمیز یک وظیفه یا تکلیف تعریف کرده که شامل دو بعد شناختی و غیرشناختی است.»

از تعاریفی که بیان شده می‌توان دریافت که صلاحیت‌ها، ظرفیت‌ها یا توانمندی‌هایی هستند که افراد به آن‌ها نیاز دارند تا بتوانند زندگی کنند، یاد بگیرند و سهم خود را به عنوان اعضای فعال اجتماع محلی داشته باشند. چیزهایی نیستند که بتوان آن‌ها را به تنهایی و در انزوا آموخت، بلکه آن‌ها را می‌توان در جریان انجام وظایف (تکالیف) به دست آورد و مؤثرترین راه ایجاد و توسعه آن‌ها درون بافت‌هایی است که دارای معانی و اهداف مشخصی باشند. صلاحیت‌ها در زنجیره‌ای پیوسته قرار دارند که در یک طرف آن افراد مبتدی و در سر دیگر آن افراد خبره وجود دارند. همین‌طور، صلاحیت‌ها در هر دو سطح خرد و کلان قابل مشاهده‌اند. این صلاحیت‌ها در خلال زندگی و در سراسر آن توسعه پیدا می‌کنند. خبرگی بالا وقتی ایجاد می‌شود که فرد بتواند این صلاحیت‌های کلیدی را به‌طور مناسب و در موقعیت‌هایی که به‌طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شوند، به کار گیرد و آن‌ها را با هم ترکیب کند. صلاحیت‌ها، یکپارچه، کل‌نگرانه و پیچیده‌اند و شامل دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به مطالبات یک وظیفه (تکلیف) می‌شوند.

### هدف جنبش صلاحیت‌ها

بدون تردید، جامعه‌ای که به شکل مناسبی آموزش دیده باشد، مزایای قابل ملاحظه‌ای خواهد داشت. امروزه، سیاست‌گذاران آموزشی در صحنه بین‌الملل، به دنبال آن‌اند که اطمینان حاصل کنند، افراد دانش، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های لازم را برای مشارکت کامل و معنی‌دار در جامعه دارا هستند.

آموزش و پرورش «صلاحیت‌محور» به عنوان فلسفه آموزشی خود بر دستیابی به مهارت‌ها و خبرگی تأکید دارد. تدوین استانداردهای عینی به منظور تعریف و تعیین حدود «صلاحیت و خبرگی»، دغدغه اصلی تعلیم و تربیت صلاحیت‌محور است. هدف این آموزش کمک به فراگیرندگان در کسب مهارت‌ها در سطحی است که خبره و متخصص به حساب آیند. در واقع، هدف هر نظام آموزشی، تقویت و توسعه خبرگی در صلاحیت‌های کلیدی در هر دانش‌آموز است. نقش اصلی آموزش در هر جامعه نیز ایجاد و تداوم محیطی است که در آن به یاددهی - یادگیری صلاحیت‌های کلیدی پرداخته شود.

### نحوه کار صلاحیت‌ها

در الگوهای آموزشی مبتنی بر صلاحیت، ملاک‌های موفقیت با توجه به مجموعه‌ای از اهداف بیرونی و عینی تعیین می‌شود. پیشرفت در جهت دستیابی به این اهداف می‌تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد و ممکن است با توجه به دانش‌آموزان مختلف، میزان آن متفاوت باشد. ولی استانداردهایی که صلاحیت‌ها را تعیین می‌کنند، همچنان یکسان باقی می‌مانند. برای مثال، اگر نمره امتحان در تعیین خبرگی ۸۰ باشد، دانش‌آموز نمی‌تواند با نمره‌ای کمتر از این عدد آن درس را بگذراند، اما می‌تواند در همان امتحان بارها شرکت کند تا به خبرگی دست پیدا کند. در یادگیری صلاحیت‌محور، مهارت‌آموزی مهم‌تر از رتبه‌بندی دانش‌آموز است و نظام آموزشی طوری طراحی شده است که فرصت‌هایی را برای دانش‌آموزان در دستیابی به مهارت در سطح خبرگی فراهم کند.

### صلاحیت‌های کلیدی

زندگی مستلزم پاسخ‌گویی به چالش‌های بسیاری است؛ چالش‌هایی مانند مقابله با ابهامات و پیچیدگی‌ها، نشان دادن روحیه تسامح و احترام، به کارگیری آگاهی‌های محیطی و مسئولیت‌های اجتماعی. کلمه «کلیدی»، به معنی حیاتی یا مهم، غالباً همراه با صلاحیت‌ها به کار می‌رود. مفهوم «صلاحیت‌های کلیدی» به شدت تحت تأثیر ارزش‌های جامعه و آنچه «افراد، گروه‌ها و مؤسسات درون آن جامعه مهم به حساب می‌آورند»، قرار دارد. برای اینکه صلاحیت‌ها از نوع کلیدی باشند، باید با انواع مختلف نقش‌های اجتماعی سازگار باشند؛

در الگوهای  
آموزشی مبتنی  
بر صلاحیت،  
ملاک‌های  
موفقیت با توجه  
به مجموعه‌ای از  
اهداف بیرونی  
و عینی تعیین  
می‌شود

## قرن بیست و یکم به افرادی نیازمند است که دارای مجموعه متفاوتی از مهارت‌ها و صلاحیت‌ها باشند

نقش‌هایی که از افراد جامعه خواسته می‌شود، در سراسر زندگی با آن‌ها مواجه شوند و آن‌ها را انجام دهند. این نقش‌ها تحت تأثیر ارزش‌های اجتماعی، بافت‌ها و آنچه افراد، گروه‌ها و مؤسسات درون آن جوامع مهم به حساب می‌آورند، قرار دارند [سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۲].

### مرور کلی سوابق

آموزش صلاحیت‌محور در جنبش اهداف رفتاری دهه ۱۹۵۰ و در توجه دقیق به نتایج یادگیری ریشه دارد. معلمان تشویق می‌شدند تا اهداف آموزشی خود را به صورت رفتارهای قابل مشاهده دانش‌آموزان بیان کنند؛ رفتارهایی که به طور مستقیم قابل مشاهده‌اند و وجود یا نبود آن‌ها به شکل معتبری قابل یادداشت کردن است [بلوم، هستینگ و ماداس، ۱۹۷۱].

اگرچه آموزش صلاحیت‌محور در خلال زمان به شکل‌های متفاوتی عملیاتی شده است، ولی اصول و اهداف اصلی آن بدون تغییر باقی مانده است. **بادن**؛

این اصول و اهداف را به شرح زیر مطرح کرده است:

● تمرکز بر نتایج و پیامدها؛

● ارتباط بیشتر با محل کار؛

● دیدن نتایج به عنوان صلاحیت‌های قابل مشاهده؛

● سنجش به عنوان مبنای قضاوت درباره صلاحیت‌ها؛

● به رسمیت شناختن مهارت‌های بهبود یافته.

آموزش صلاحیت‌محور تا دهه ۱۹۹۰ به صورت ایده‌ای قابل مجادله و تردید باقی ماند. در سال‌های اخیر، آموزش صلاحیت‌محور، به دلایل متفاوت کمتر مسئله‌زا بوده است:

نخست اینکه تعاریف صلاحیت‌ها، با توجه به موقعیت آموزشی مورد نظر، به شکلی فزاینده و در سراسر دنیا همسان شده است.

دوم اینکه تعاریف مزبور به طور دائم با رفتارهای قابل مشاهده گره نخورده‌اند و قضاوت‌های حرفه‌ای معلم را نیز به عنوان بخشی از سنجش این صلاحیت‌ها در بر گرفته‌اند.

رفتارگرایی که زمانی نیروی غالب در آموزش صلاحیت‌محور بود، امروزه تنها یک رویکرد در این آموزش است. در عالم واقع و در رویکردهای تازه‌تر، ویژگی‌ها و صفات علمی گنجانده شده‌اند که زمینه اصلی عملکرد صلاحیت‌ها را تشکیل می‌دهند (مانند دانش و شناخت). امروزه تقریباً همه کشورهای از منظر گسترده‌تری از صلاحیت‌های اصلی حمایت می‌کنند و این کار را با گنجاندن ویژگی‌هایی مانند

برقراری ارتباط، توانایی حساب کردن، فناوری‌های اطلاعاتی، صلاحیت بین فردی و حل مسئله به انجام می‌رسانند.

### صلاحیت‌های قرن بیست و یکم در عمل

بحث‌ها و گفت‌وگوهای مختلف درباره صلاحیت‌های آموزشی قرن بیست و یکم، بسیاری را به این باور رساند که قرن بیست و یکم به افرادی نیازمند است که دارای مجموعه متفاوتی از مهارت‌ها و صلاحیت‌ها باشند تا بتوانند در محیط کار و در زندگی شخصی خود عملکرد مناسبی داشته باشند. در خلال چند دهه گذشته، تعدادی از توصیه‌ها، گزارش‌ها و پیمایش‌ها بر این امر متمرکز شده‌اند که این صلاحیت‌ها چگونه باید باشند.

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۵) سه طبقه کلی از صلاحیت‌های کلیدی را معرفی کرده که هر یک دارای زیرمجموعه‌های خاص خود اوست:

#### ۱. استفاده از ابزارها به صورت متقابل:

که شامل توانایی استفاده از زبان، نمادها و متون به صورت تعاملی است. توانایی استفاده از دانش و اطلاعات به صورت متقابل و توانایی استفاده از فناوری به صورت تعاملی نیز در این طبقه بندی قرار دارد.

#### ۲. تعامل با گروه‌های غیرمتجانس:

توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران، توانایی طراحی و اجرای برنامه‌های زندگی و توانایی مدیریت و حل تعارض‌هاست.

#### ۳. عمل کردن به اتکای خود:

که شامل توانایی عمل کردن با توجه به بافت کلی، توانایی طراحی و اجرای برنامه‌های زندگی و پروژه‌های فردی، و توانایی پافشاری بر اعمال حقوق، علاقه‌ها، محدودیت‌ها و نیازهای خود اوست.

### دیگر کارهای انجام شده در مورد صلاحیت‌ها برای قرن بیست و یکم

**تری‌یر (۲۰۰۲)** به مطالعه کشورهای کاملاً متفاوتی پرداخت تا دریابد فراوانی مفهوم صلاحیت‌ها در اسناد برنامه درسی تا چه اندازه است و چه اهمیتی به آن‌ها داده شده است. صلاحیت‌های ذکر شده در همه کشورهای مورد مطالعه از این قرار بودند:

۱. یادگیری/یادگیری مادام‌العمر؛ ۲. سواد زبان مادری؛

۳. صلاحیت‌های اجتماعی/همکاری/و کار گروهی؛

۴. صلاحیت‌های ارتباطی؛ ۵. اطلاعات/حل مسئله/

صلاحیت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و رسانه‌ها؛ ۶. عددشماری و سواد ریاضی؛ ۷. آموزش ارزش‌ها/ اخلاق؛ ۸. خودگردانی/ استقلال/ جهت‌گیری علمی/ تصمیم‌گیری.

این صلاحیت‌ها نیز تنها در بعضی از کشورها وجود داشتند: ۱. خلاقیت/ بیان خود/ صلاحیت‌های زیبایی‌شناسی؛ ۲. زبان‌های خارجی/ بین‌المللی کردن؛ ۳. هویت فرهنگی و سنتی/ صلاحیت‌های اندیشمندانه؛ ۴. مذهب؛ ۵. صلاحیت‌های سیاسی/ مردم‌سالاری و ۶. آگاهی زیست‌محیطی/ ارزش‌گذاری به طبیعت/ توانایی‌های بدنی/ سلامت. در «گزارش مهارت‌های سنجش و تدریس در قرن بیست‌ویکم»<sup>۹</sup> (بینکلی، ارستاد، هرمن، ریزن، ریپلا و رامبل، ۲۰۱۰)، چارچوب یک نمودار مفهومی همه‌جانبه توصیف شده است تا چارچوب‌های متعددی را که در سراسر جهان وجود دارند، با هم ترکیب و آمیخته کند. این چارچوب دارای چهار طبقه‌بندی اصلی و ده مهارت به شرح زیر است:

#### ۱. راه‌های فکر کردن:

- تفکر خلاقانه و نوآورانه
- تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری
- یادگیری چگونگی یاد گرفتن و فراشناخت

#### ۲. راه‌های عمل کردن:

- برقراری ارتباط
- همکاری (کار گروهی)

#### ۳. ابزارهای مورد استفاده در کار:

- سواد اطلاعاتی (شامل پژوهش در مورد منابع، شواهد، سوگیری‌ها و غیره)
- سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات

#### ۴. زندگی در جهان فعلی:

- شهروندی، برای مثال شهروندی محلی و جهانی زندگی و حرفه
- مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، شامل آگاهی فرهنگی و صلاحیتی

### برنامه‌های آموزشی صلاحیت‌محور

برای دستیابی به آموزش قرن بیست‌ویکم، «یک نظام برتر» وجود نخواهد داشت. هر یک از مناطق، مدارس، کلاس‌ها و فراگیرندگان منحصربه‌فرد

هستند و در نتیجه، برنامه‌های درسی و پداگوژی باید برای آن موقعیت منحصربه‌فرد به شکلی ماهرانه تدوین شود. آموزش و پرورش قرن بیست‌ویکم به رویکردی یکپارچه در برنامه درسی وابسته است که درس‌های اصلی، مضامین بین‌رشته‌ای و مهارت‌های اساسی را با آموزشی (تدریس) پیوند می‌دهد و در آن، پداگوژی نوین، فناوری‌ها، منابع و بافت‌ها با یکدیگر هماهنگ می‌شوند و دانش‌آموز را برای زندگی نوین آماده می‌کنند.

صلاحیت‌های سراسری برنامه‌های درسی به‌عنوان صلاحیت‌هایی به‌هم‌پیوسته تلقی می‌شوند و به‌عنوان عنصری مستقل به حساب نمی‌آیند و به‌تنهایی نیز وجود نخواهند داشت. بلکه در تمام حوزه‌های درسی و از طریق فعالیت‌های روزمره مدرسه و کلاس درس، روابط موجود در مدرسه و محیط‌های آموزشی به آن‌ها توجه می‌شود. اگرچه این صلاحیت‌ها به‌عنوان هویت‌های جداگانه معرفی می‌شوند، ولی پایه مشترک همه یادگیری‌ها هستند و بر به‌کارگیری در همه موضوعات درسی تأکید می‌شود. در واقع این صلاحیت‌ها کلیدهایی هستند که در هر یک از حوزه‌های یادگیری می‌توانند به‌کار گرفته شوند و با حوزه‌های یادگیری همراه می‌شوند.

بسیاری از صلاحیت‌ها دارای هم‌پوشی مربوط به هم هستند و هر یک از این قلمروها از قلمرو دیگر حمایت می‌کند. مثلاً صلاحیت در مهارت‌های پایه و بنیادی زبان، سوادآموزی، توانایی شمردن و حساب کردن و نیز فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، برای یادگیری و نحوه آن حکم زیربنا و شالوده را دارد و از همه فعالیت‌های یادگیری حمایت می‌کند.

**ویدل**<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) با ارائه مجموعه ویژگی‌های زیر به توصیف برنامه‌های آموزشی صلاحیت‌محور می‌پردازد:

- عبارات دقیق و قابل اندازه‌گیری درباره صلاحیت‌ها؛
- اهداف محتوای‌محور در مورد فراگیرندگان (نتایج/ صلاحیت‌ها)؛
- درگیری مداوم فراگیرنده در برنامه‌ها تا زمان مشاهده تسلط در وی؛
- استفاده از انواع شیوه‌های آموزشی (تدریس) و فعالیت‌های گروهی؛
- تمرکز بر آنچه فراگیرنده نیازمند یادگیری آن است، یعنی کاربرد مهارت‌های پایه در بافت مهارت‌های زندگی؛
- استفاده از متون، رسانه‌ها و مواد و مطالب واقعی

**بسیاری از صلاحیت‌ها دارای هم‌پوشی مربوط به هم هستند و هر یک از این قلمروها از قلمرو دیگر حمایت می‌کند**

## امروزه برنامه درسی و پداگوژی صلاحیت محور بر چشم اندازی بنا شده است که در آن نوجوانان و جوانان به صورت فراگیرندگان دارای اعتماد به نفس و مرتبط با بقیه و درگیر شونده گانی فعال در آیند و در سراسر عمر نیز به یادگیری بپردازند

که با صلاحیت‌های هدف پیوند خورده‌اند؛

- ارائه فوری باز خورد به فراگیرندگان در سنجش عملکرد آن‌ها؛
- هم‌گام کردن تدریس با نیازهای فراگیرنده؛
- واداشتن فراگیرندگان به نشان دادن تسلط خود در زمینه صلاحیتی خاص.

در رویکرد سنتی، پیشرفت دانش‌آموزان از طریق ارائه موضوعات درسی در زمان‌های متفاوت صورت می‌گیرد. از معلم نیز انتظار می‌رود که در زمان مورد نظر، محتوای مشخصی از برنامه درسی را ارائه دهد؛ اگرچه ممکن است دانش‌آموزان به همان سرعت پیش نروند. این برنامه معمولاً مستلزم آن است که همه شاگردان کلاس از آن پیروی کنند. برنامه‌های صلاحیت‌محور از آن‌روز برنامه‌های سنتی متفاوت‌اند که در آن‌ها، دستیابی و یادگیری مهارت‌ها مورد تأکید است و زمان و رتبه‌بندی کلاس مورد توجه قرار ندارد. در این الگو، تمام دانش‌آموزان این فرصت را دارند که خبرگی و مهارت را با سرعت خود به دست آورند. تعیین استانداردهای روشن نیز به دانش‌آموزان همه سنین کمک می‌کند که دریابند، در فرایند دستیابی به صلاحیت در کجا قرار دارند و به آن‌ها اجازه می‌دهد بر پیشرفت خود نظارت داشته باشند. این امر نیز می‌تواند کاملاً برانگیزنده باشد.

وقتی یک مدرسه یا یک منطقه آموزشی نظامی را به وجود می‌آورد که در آن یک چارچوب صلاحیت‌محور با نظام‌های حمایتی ضروری ترکیب می‌شود - استانداردها، سنجش‌ها، برنامه درسی و آموزش (تدریس)، توسعه حرفه‌ای و محیط یادگیری - دانش‌آموزان درگیری بیشتری با این فرایند پیدا می‌کنند و فارغ‌التحصیلان نیز به آمادگی بهتری برای شکوفایی و ترقی در اقتصاد جهانی امروز دست خواهند یافت.

### مربیان و یادگیرندگان صلاحیت‌محور

مربیان موظف‌اند با مشکلات ناشی از راهنمایی و حمایت از گروه‌های متفاوتی از دانش‌آموزان که در حال افزایش نیز هستند، کنار بیایند؛ یعنی دانش‌آموزانی که کاملاً برانگیخته هستند و افرادی که ناسازگارند یا اوقاتی دشوار را به‌طور مرتب تجربه می‌کنند.

معلمانی که از چشم‌انداز آموزشی صلاحیت‌محور به تدریس می‌پردازند، باید بیشتر با برنامه‌ریزی و مدیریت محیط‌های یادگیری هماهنگ و به سنجشی

متعهد شوند که دارای اعتبار و روایی باشد [مالان، ۲۰۰۰]. آن‌ها باید با نحوه تعیین هدف و تجهیز دانش‌آموزان به ابزارها آشنا باشند و از دستیابی به این اهداف حمایت کنند. در کلاس‌های مبتنی بر صلاحیت، معلم و شاگرد شرکایی برابر در فرایند یادگیری دانش‌آموزند. تفاوت‌گذاری در آموزش - که شامل طراحی برنامه درسی و تدریس با توجه به ترجیحات متفاوت دانش‌آموزان و با در نظر گرفتن مقررات است - موجب می‌شود، همه دانش‌آموزان فرصت‌های یکسانی برای یادگیری با توجه به حداکثر توانایی خود به دست آورند [سالیوان، ان. دی.].

فراگیرندگان باید مسئولیت بیشتری را بپذیرند و در فرایند یادگیری فعالانه مشارکت داشته باشند. آن‌ها شرکت‌کنندگان اصلی محسوب می‌شوند و درگیری فعالانه آن‌ها به درک بهتری از نیازها و سبک‌های یادگیری خودشان منجر می‌شود [دامونت و ایستنس، ۲۰۱۰]. امروزه برنامه درسی و پداگوژی صلاحیت‌محور بر چشم‌اندازی بنا شده است که در آن نوجوانان و جوانان به صورت فراگیرندگان دارای اعتماد به نفس و مرتبط با بقیه و درگیر شونده گانی فعال در آیند و در سراسر عمر نیز به یادگیری بپردازند. رویکرد صلاحیت‌محور این انعطاف‌پذیری را به مدارس می‌دهد که به تدوین برنامه‌هایی از یادگیری اقدام کنند که برای همه دانش‌آموزان کاربرد داشته باشد. این رویکرد اصول، ارزش‌ها و صلاحیت‌های کلیدی و همه‌جانبه‌ای را تصریح می‌کند که شناسایی و انتخاب شده‌اند.

### ملاحظات در باب برنامه درسی

به گفته بودن<sup>۷</sup>، از آنجا که آینده و چگونگی مواجهه با آن برای فراگیرندگان امروزی به‌طور کامل قابل شناسایی نیست، آن‌ها باید راه‌هایی را یاد بگیرند که توانمندی آن‌ها را در تشخیص موقعیت‌های جدید و عکس‌العمل نسبت به آن‌ها توسعه دهد. این نوع از یادگیری ایجاب می‌کند که تنوع بافتی در تجارب یادگیری این فراگیرندگان به‌صورت امری رایج در آید. مواجهه با آینده غیرقابل پیش‌بینی مستلزم آن است که رویکردهای آموزشی صلاحیت‌محور از «تجویزی بودن» فاصله بگیرند و از اصل تنوع و گوناگونی تبعیت کنند. وقتی تنوع در یاددهی - یادگیری برقرار شد و مورد استقبال قرار گرفت، دانش‌آموزان را بهتر می‌توان به جانب صلاحیت‌های توسعه‌یافته در نگرش‌ها، مهارت‌ها و دانش سوق داد.

#### \*پی‌نوشت‌ها

۱. لفظ Competency در فارسی با کلمات متفاوتی چون شایستگی، توانش، صلاحیت، قابلیت و معادل‌سازی شده است. با این وصف، مترجم با توجه به وجود معادل‌های دیگر برای شایستگی و توانش، لفظ «صلاحیت» یا «قابلیت» را ترجیح می‌دهد، ولی ادعای مشخصی در این‌باره ندارد.
2. Hoffmann
3. The Organization for Economic Co-Operation and Development
4. Bowden
5. The Assessment & Teaching of 21st Century Skills
6. Weddel
7. Bowden